

نوبت مشاوران

دیدار ناگهانی علی لاریجانی با ولادیمیر پوتین و توثیت صریح علی اکبر ولایتی نشانه‌هایی از تغییر در سیاست خارجی و داخلی را با خود دارد؟



محمدجواد روح سردبیر

در ۴۸ ساعت گذشته، دو مشاور کهنه‌کار مقام‌رہبری در سرتیتر اخبار جای گرفته‌اند. نخست، علی لاریجانی که سخنگوی کاخ کرملین خبری از سفر او به مسکو و دیدار ناگهانی اش با ولادیمیر پوتین داد و دوم، علی اکبر ولایتی که با انتشار توثیتی صریحاًز «نوبت مسئولین» و «پاسخگونبودن شیوہ‌های منقضی‌شده» برای حفظ انسجام و اتحاد ملی در جامعه پس از جنگ نوشت؛ همان موضوعی که چندروز قبل مقام‌رہبری از آن سخن گفته بود. این دور خداد پیاپی، پرسش‌هایی را درباره روند تحولات سیاست داخلی و خارجی کشور شکل می‌دهد: پرسش‌هایی که البته، انتساب هر دو چہرہ به عالی‌ترین مقام نظام سیاسی و مسئولیت مشترک آنان به‌عنوان مشاور رہبری، آنها را جدی‌تر می‌سازد. ولایتی و لاریجانی از معدود منتسبان مقام رہبری هستند که با وجود گذشت نزدیک به چهار دهه از رہبری ایشان، هنوز پیوندنسبی و مسئولیتی در حد مشاورت را حفظ کرده‌اند.

▼ گزینہ نخست‌وزیری

ولایتی که دبیرپاترین وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی محسوب می‌شود، وزارت خود را در دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای (و نخست‌وزیری میر حسین موسوی) آغاز کرد. آیت‌الله خامنه‌ای حتی پیش از موسوی، ولایتی را به‌عنوان گزینہ نخست‌وزیری معرفی کرد که مجلس اول به او رای اعتماد نداد. سیدمحمد خاتمی، نماینده اردکان در مجلس اول، از مهمترین مخالفان نخست‌وزیری ولایتی بود. آیت‌الله خامنه‌ای پس از دورہ اول ریاست‌جمهوری خود در سال ۱۳۶۴ نیز در نظر داشت ولایتی را بار دیگر به‌عنوان گزینہ نخست‌وزیری دولت دوم خود به مجلس دوم معرفی کند؛ اما مخالفت اکثریت مجلس (که طرفدار موسوی بودند) به‌همراه تاکیدات امام خمینی، مانع از تغییر نخست‌وزیر شد وولایتی در همان پست وزیر امور خارجه ماند؛ مسئولیتی که تا پایان دولت هاشمی‌فسنجانی در سال ۱۳۷۶ آن را برعهده داشت. پس از دوم‌خرداد ۱۳۷۶ و با زوری کار آامن دولت خاتمی، ولایتی از کابینہ بیرون رفت؛ اما هیچ‌گاه فاقد منصب و مسئولیت نماند. او با احکام مقام رہبری در شوراهای مختلف و نهایتاً ریاست هیئت امنای دانشگاه آزاد (پس از درگذشت هاشمی‌فسنجانی) حضور داشته است و درعین حال، در مقام مشاور رہبری در امور بین الملل، گاہ با موضع‌گیری‌های خود پالس‌هایی از رویکرد کلان نظام سیاسی را به ناظران بیرونی بروز داده است.

▼ مدیر فرهنگی معتمد

در مقابل، لاریجانی که در سال‌های جنگ بیشتر چہرہ‌ای نظامی داشت؛ پس از پایان جنگ در مقام مدیر فرهنگی مورد اعتماد نظام ایفاي نقش کرد؛ تا آنجا که ابتدا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جایگزین سیدمحمد خاتمی شد و با فاصله زمانی اندک، در صداوسیما بر جایگاه محمد هاشمی تکیہ زد. لاریجانی در حالی در این دو منصب مهم فرهنگی جایگزین وزیر و سپس برادر هاشمی‌فسنجانی شد که یکی از اصلی‌ترین شکاف‌های نیمہ نخست دهه ۱۳۷۰ بر سر مقولہ «تاجام فرهنگی» در سطح عالی نظام سیاسی شکل گرفته بود و ظاہراً، لاریجانی جوان از معدود چہرہ‌هایی بود که دو طرف بر سر او، توافق نسبی داشتند؛ توافقی که البته شکننده بود و دور خداد‌های سیاسی قبل و به‌ویژہ پس از دوم‌خرداد ۱۳۷۶، او را خواسته یا ناخواسته در مقام نماد و یکی از لیدرهای اصلی جریان مخالف اصلاحات قرار داد.

▼ متحد میانه‌روها

تا امروز هم، با وجود همه فراز و نشیب‌های سیاسی، ولایتی و لاریجانی (بر خلاف هاشمی‌فسنجانی و حسن روحانی) هیچ‌گاه از کلیت جناح راست سنتی خارج نشده‌اند و گرچه روابط محترمانه‌ای با بزرگان و به‌ویژه روحانیون جریان اصلاحات از خود نشان می‌دهند، اما مرزبندی سیاسی خود را حفظ کرده‌اندو حداکثر در مقام «متحد میانه‌روها» (و نه اصلاح‌طلبان) ظاهر شده‌اند. اتحاد این دو چہرہ باسابقہ راست سنتی با میانه‌روها نیز، عمدتاً ناشی از تجربه‌دوران محمود احمدی‌نژاد است. اگر به ۲۰ سال قبل و انتخابات ریاست‌جمهوری نهم بازگردیم، هر دو چہرہ را در میان گزینہ‌های جدی آن دورہ انتخابات می‌بینیم. ولایتی که از سال ۱۳۶۰ رویای ریاست‌دولت در سر داشت، از ماه‌ها قبل از انتخابات ۱۳۸۴ فعالیت خود را برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری آغاز کرده بود و به نظر می‌رسید گزینہ‌مورد حمایت راست سنتی و بخشی از میانه‌روها با محوریت هاشمی‌فسنجانی باشد. اما در نہایت، ورود هاشمی به صحنه انتخابات، ولایتی را واداشت به احترام کسوت رئیس‌جمهور سابق، از نامزدی کناره گیرد. لاریجانی اما گرچه دبیر از ولایتی فعالیت‌های انتخاباتی خود را آغاز کرد، اما در صحنه انتخابات ماند. لاریجانی هر چند در انتخابات ۱۳۸۴ رای چندانی نیاورد، اما نکته مهم درباره او این بود که به‌عنوان نامزد رسمی جناح راست در آن انتخابات حضور داشت؛ چراکه از سوی «شورای هماهنگی نیروهای انقلاب» که آن زمان به ریاست علی اکبر ناطق‌نوری فعالیت می‌کرد، معرفی شد. این در حالی بود که نه محمود احمدی‌نژاد و نه محمدباقر قالیباف زیر بار این تصمیم نرفتند و بدین ترتیب، جناح راست نیز همچون اصلاح‌طلبان و میانه‌روها در دور اول انتخابات ۱۳۸۴ با سه

نامزد به میدان آمد که در این میان، لاریجانی با کمترین اقبال رای دہندگان مواجه شد. اگر لاریجانی چہرہ موثری در انتخابات ۱۳۸۴ نبود؛ اما هشت سال بعد، ولایتی بر فضا و روند انتخابات تأثیرگذار واقع شد. گرچه ولایتی هم رای چندان بالایی در انتخابات ۱۳۹۲ نیاورد، اما با طرح انتقادات صریح و کتایہ‌های ظریف به سعید جلیلی و وزیر سوال بردن سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد که کشور را در بندشش قطعنامه شورای امنیت گرفتار کرده بود؛ عملاً در نقش متحد حسن روحانی ظاهر شد و نقش کلیدی در مناظرہ‌های انتخاباتی و به‌ویژه پررنگ شدن مسائل سیاست خارجی ایفا کرد. درعین حال، همسویی روحانی و ولایتی در مناظرہ‌های انتخاباتی (یکی در مقام نماینده وقت رہبری در شورای عالی امنیت‌ملی و دیگری مشاور امور بین الملل مقام‌رہبری)، سیگنالی به قدرت‌های جهانی درباره تصمیم عالی‌ترین سطح نظام برای تغییر سیاست خارجی به‌ویژه در بحث هسته‌ای می‌داد که بعدها در قالب بحث «نرمش قہر مانانہ» و نهایتاً مذاکرات منجر به برجام، عینیت پیدا کرد. اگر ولایتی متحد موثر روحانی در ایام انتخابات بود، لاریجانی پس از انتخاب روحانی به ریاست‌جمهوری در نقش متحد کلیدی او ظاهر شد. لاریجانی که آن زمان ریاست مجلس نهم را در دست داشت و تا پایان مجلس دهم نیز ریاست پارلمان را عہدہ‌دار بود، در تصویب برجام و مواجهه و مقابله با تندروهای همسوی با سعید جلیلی در مجلس، حمایت و همراهی موثری با روحانی از خود نشان داد؛ حمایتی که البته، برای او کم‌ہرزنہ ہونیوہ به دور دصلاحت‌پیاپی لاریجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ و ۱۴۰۳ انجامید.

▼ صف‌بندی در بالاترین سطح

چنین سوابقی است که ولایتی و به‌ویژه لاریجانی را در میان چہرہ‌های منصوب رہبری، از نظر وزن و سابقہ سیاسی متمایز می‌سازد. این در حالی است که از اواسط دهہ ۱۳۹۰، نیروهای رادیکال نوبدید تلاش کردند با عناوینی چون «انقلابی»، «وفادار» و «رویش‌های گام دوم انقلاب» خود را خالص‌ترین نیروهای سیاسی معرفی کنند و نیروهای باسابقہ و ریشدار را (حتی در سطح منسوبان رہبری و یا فرماندهان نظامی)، با حملات پیدائپنهان سیاسی و رسانه‌ای به حاشیہ برانند؛ همان جریانی که لاریجانی در سال ۱۴۰۲ با انتشار اطلاعیه‌ای کوتاه از آن به‌عنوان «خالص‌سازان» یاد کرد و ترم جدیدی را در ادبیات سیاسی ایران گشود. اگر حادثہ بالگرد رئیس دولت‌سبز دہم و انتخابات ۱۴۰۳ نقطہ شکست انتخاباتی خالص‌سازان و ناتمام ماندن پروژه کلان آنان بود، به نظر می‌رسد جنگ ۱۴۰۴ می‌تواند نقطہ تکمیل این روند و تضعیف موقعیت این جریان در ارگان و بخش‌های انتسابی ساختار سیاسی باشد. خطبہ اخیر رہبری در دیدار سران قوہ قضائیه که در آن بر ضرورت «حفظ اتحاد ملی» تاکید شد و «حضور نیروهای سیاسی و مذہبی متفاوت و حتی متضاد» در دفاع از کشور برابر حملہ خارجی محل بحث قرار گرفت؛ عملاً گفتاری در نفی ورد مبنایی ایده خالص‌سازان بود. چنان‌که محمدباقر قالیباف نیز، آن را با عبارات «هسته سخت نو د میلیونی» تبیین کرد؛ عبارتی که کاملاً نشان از رویکردی در سطح عالی نظام سیاسی برای عبور از خالص‌سازیانی است که سال‌ها خود را «هسته سخت نظام» و تنها مدافعان وفاداران آن در روزهای سخت و زمان مواجهه با دشمن خارجی معرفی می‌کردند و به این پلہانہ، هر روز ہم مطالبات بیشتری را از نظام و هم فشارهای بیشتری را بر جامعه تحمیل می‌کردند. همزمان، تحرک لاریجانی در سطح رسانه‌ای و سیاسی (از مصاحبه صریح درباره ناگفتہ‌های جنگ ۱۲ روزه که در آن برای نخستین بار، موضوع حملہ به جلسہ شـورای عالی امنیت ملی اعلام شد تا حضور و سخنرانی در محافل مذہبی) نیز در روزهای پس از آتش پس بسیار جدی‌تر از قبل به نظر می‌رسد. سفر به مسکو و دیدار با ولادیمیر پوتین در کاخ کرملین نیز در ادامه این روند قابل بررسی است و می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از تقویت منسوبان و مشاوران غیر خالص‌ساز و نزدیک به میانه‌روها، در طراحی و پیشبرد سیاست‌های کلان نظام تحلیل شود. توثیت ولایتی (که در مقایسه با لاریجانی کمتر وارد موضع‌گیری‌های صریح سیاسی می‌شود)، این گمانہ‌زنی‌ها را تقویت می‌کند. به عبارت صریح‌تر می‌توان گفت که پس از جنگ ۱۲ روزه نوعی مواجهہ جدی در سطح کلان نظام سیاسی شکل گرفته است که یک‌سوی آن، خالص‌سازیی قرار دارند که با اتکا به فضا سازی‌های سیاسی و رسانه‌ای و استفاده از ابزارهایی چون صداوسیما و نیروهای پارلمانی، در صدد حفظ و تقویت موقعیت خود به‌عنوان سخنگویان واقعی نظام سیاسی هستند و در این مسیر، هرگونه تغییرات را چه در سطح سیاست داخلی و چه سیاست خارجی (و نیز اصلاحات در سطح امنیتی) برنمی‌تابند و حتی آن را با عباراتی چون «براندازی زیر پوشش وحدت ملی» تئوریزه می‌کنند. سوی دیگر، نیروهای باسابقہ و ریش‌دارتر جناح راست قرار دارند که با همراهی سران قوا آمادگی دارند تا حدی، در جهت اصلاح مسیر سیاست داخلی و درعین حال، رویکرد واقع‌بینانہ به مناسبات بین المللی گام بردارند. ولایتی و لاریجانی، به‌عنوان دو مشاور کهنه‌کار رہبری، از شاخص‌ترین نمایندگان این طیف محسوب می‌شوند.

باید ماند و دید که صرف سابقه یا منصب سیاسی کهنه کاران و ریشه‌دارانی چون ولایتی و لاریجانی، تغییری در مسیری که خالص‌سازان حامی آن هستند، شکل خواهد داد یا آن‌که خالص‌سازی در داخل چنان ریشه دوانده و سیستماتیک و قدرتمند شده که از مشاورانی در این سطح هم کاری برنمی‌آید؟ همانطور که پیچیدگی مناسبات خارجی و مواجهه با پروژه چندلایه و یکجانبہ نگرانہ ترابست-تاتناہوا، عملاً چندان میدانی برای بازی بازیگران ایران باقی نگذاشته است؛ حتی اگر فرستاده ویژه‌ای در حد علی لاریجانی باشد.

تیتريک HEADLINE ONE

بررسی دیدار لاریجانی و پوتین در بزنگاه دیپلماسی

چرخش دوباره به شرق؟

۸۶، می‌تواند در این حوزه نقش‌آفرین باشد. علاوه بر این که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۹ به عنوان یکی از سران قوا، عملاً به صورت مستقیم و غیرمستقیم در این حوزه درگیر بوده است.

▼ بازتاب در روزنامه‌ها

بخشی از روزنامه‌های اصلی کشور با توجه به این که خبر دیدار پوتین و لاریجانی بدون هیچ اعلام قبلی، شامگاه یکشنبه اعلام شد، تا حد امکان به این سفر پرداختند. نحوه واکنش و ضریبی که به این رویداد مهم دیپلماتیک داده شد نیز در آن‌ها متفاوت بود. روزنامه اصولگرای فرهیختگان با ترکیبی از عکس لاریجانی و پوتین، با تیتیر دیدار ویژه در مسکو به تحلیل اهمیت این موضوع پرداخت. روزنامه سازندگی و جوان نیز دو روزنامه دیگری بودند که عکس یا تیتیر یک خود را به این رویداد اختصاص دادند. سازندگی از تیتیر دور تند دیپلماسی و جوان از عنوان حرکت لاریجانی در شطرنج راهبردهای جنگی استفاده کردند. همچنین روزنامه شرق تیتیر یک خود را به این موضوع اختصاص داد. کیهان نیز با تیتیری خبری به این موضوع پرداخت. فرهیختگان در تحلیلی راجع به این سفر نوشت: «سفرهای سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه ایران به روسیه و چین و مذاکرات با تروئیکای اروپایی (آلمان، فرانسه و انگلیس) این گزاره را تأیید می‌کند که تهران به اهمیت تثبیت شرایط پس از جنگ از طریق دیپلماسی پی برده است. کارکرد دیپلماسی برای تهران نه‌برای عقب‌نشینی، بلکه باهدف تثبیت دستاوردهای میدانی، مدیریت اعمال فشارهای غرب و جلوگیری از شکل‌گیری اجماع علیه ایران صورت می‌گیرد. در تازه‌ترین اقدام، علی لاریجانی، مشاور رهبر انقلاب در سفری که رسانه‌های منطقه آن را «غیرمنتظره» خواندند، به مسکو سفر کرد و در کاخ کرملین با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دیدار و درباره اوضاع غرب آسیا و همچنین برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو کرد. سفر لاریجانی به مسکو آن هم در کمتر از چهار هفته پس از سفر وزیر امور خارجه، با توجه به جایگاه و نقش لاریجانی، جدا از نمایش عادی بودن رابطه دو کشور، بیانگر جایگاه مسکو در سیاست خارجی تهران است.» این روزنامه همچنین به سفرهای سال گذشته لاریجانی به دمشق و بیروت، حضور پررنگ رسانه‌ای و همچنین مصاحبه‌های اخیر او در دوران جنگ پرداخت و از آن با عنوان بازگشت لاریجانی یاد کرد.

روزنامه سازندگی سفر لاریجانی به مسکو را بخشی از پازل دیپلماسی برای دور کردن کشور از جنگ دانست. روزنامه حزب کارگزاران در کنار اشاره به این سفر، دیگر تحرکات دیپلماتیک هفته‌های اخیر را مدنظر قرار داد و به مرور آن‌ها پرداخت. در بخشی از این گزارش آمده بود: «اگر نمودار سیر تحرکات دیپلماتیک ایران در سطوح مختلف را مشاهده کنیم به خوبی می‌بینیم که نه‌تنها قبل از جنگ ۱۲ روزه بلکه به خصوص پس از آن، دستگاه دیپلماسی کشورمان و سایر سطوح عالی سیاسی در حال فعال کردن و استفاده بیشتر از اهرم دیپلماتیک و رایزنی هستند. به عنوان مثال سفر علی لاریجانی به مسکو و دیدار وی با پوتین نشان از ضرورت تبادل نظر تهران با متحدان خود دارد.»

گروه خبر: عصر روز یکشنبه، کاخ کرملین خبری کوتاه از دیدار مشاور مقام رهبری و رئیس‌جمهور روسیه منتشر کرد. خبری که نشان می‌داد علی لاریجانی در سفری از پیش اعلام نشده به مسکو رفته و با ولادیمیر پوتین ملاقات کرده است. روایت طرف روسی از این سفر کلی و کوتاه بود. صرفاً اعلام شد که موضوع تشدید تنش‌ها در خاورمیانه و وضعیت مسئله هسته‌ای ایران مورد تبادل نظر قرار گرفته و پوتین نیز حمایت خود را از ثبات در خاورمیانه و حل‌وفصل سیاسی پرونده هسته‌ای اعلام کرده است. روز گذشته، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه درباره این سفر توضیحاتی داد که البته این اظهارات هم جزئیات بیشتری در خود نداشت. او در نشست خبری گفت: «آقای دکتر لاریجانی به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهور، حامل پیام و دیدگاه کلان جمهوری اسلامی ایران راجع به تحولات منطقه، تحولات بین‌المللی و همین‌طور روابط دوجانبه بوده‌اند. دیدار بسیار خوبی با رئیس‌جمهور روسیه داشته‌اند که در آن، در مورد طیف متنوعی از موضوعات، به‌ویژه روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای، پس از تحولات سه چهار هفته اخیر، گفت‌وگو کرده‌اند. این امر، متعارف است که کشورها به فراخور تحولات و با توجه به اهمیت موضوعات، فرستاده‌هایی را به کشورهای هدف اعزام کنند.» او همچنین به این موضوع اشاره کرد که وزارت امور خارجه در جریان این سفر بوده و هماهنگی نیز وجود نداشته است.

▼ اهمیت سفر لاریجانی

اعزام مشاور مقام معظم رهبری و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهور، نشان‌دهنده اهمیت تعامل با کشورهای شرقی در جریان تحرکات دیپلماتیک برای عبور از بحران فعلی است. هماهنگی تهران با مسکو و یکن به خصوص در موضوع هسته‌ای، در سطح بالایی قرار دارد و امروز نیز جلس‌های سه‌جانبه در سطح مدیران کل دستگاه سیاست خارجی سه کشور در تهران برگزار می‌شود. روسیه و چین به عنوان دو عضو برجام و اعضای دائم شورای امنیت، نقشی کلیدی در موضوع هسته‌ای ایفا می‌کنند که می‌تواند منفی یا مثبت باشد. چنانچه در سال‌های دهه هشتاد، آن‌ها دو پایه محکم قطعنامه‌های فصل هفتی ایران بودند. اما این فضا به مرور تغییر کرد و جمهوری اسلامی ایران نیز متوجه شد که روابط با مسکو و یکن باید بازسازی شود تا آن‌ها بازیگران منفی پرونده هسته‌ای نباشند. در حالی که گفت‌وگوی ایران و تروئیکای اروپایی روز جمعه در استانبول برگزار می‌شود و روابط ایران و اروپا در تیره‌ترین حالت ممکن خود در نیم‌قرن گذشته قرار دارد، اهمیت این هماهنگی‌ها با کشورهای شرقی دوچندان شده است. حل مسئله هسته‌ای ایران که موضوع جلوگیری از بازگشت ذیل تحریم‌های شورای امنیت را نیز در دل خود دارد، نیازمند برقراری تعادل میان شرق و غرب است. به نظر می‌رسد ایران با توجه به شرق در عین ادامه تماس‌ها با طرف غربی، در تلاش برای ایجاد این توازن است. لاریجانی نیز با توجه به تجربیات دیپلماتیک خود به عنوان دبیر شعام و مذاکره کننده ارشد ایران در موضوع هسته‌ای طی سال‌های ۸۴ تا

استیضاح پس گرفته شد؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

طرح استیضاح وزیر اطلاعات در مجلس ثبت شده و جمع‌آوری امضا برای آن در مجلس شروع شد اما به‌نظر می‌رسد امضاهای این استیضاح به حدنصاب نرسیده است. در صورتی که این استیضاح به سرانجام می‌رسید و اعلام وصول می‌شد، سیداسماعیل خطیب، اولین وزیر اطلاعات در ۴۰ سال فعالیت این نهاد است که در مجلس به مر حله استیضاح رسیده است. شاید جالب‌ترین تعبیر را مر حوم آیت‌الله هاشمی برای عدم استیضاح وزیران اطلاعات داشت. او پس از انتخاب علی فلاحیان به طور ضمنی گفت که «مجلس جرات استیضاح وزیر اطلاعات را ندارد.» شاید به همین دلیل هیچ کدام از وزرای اطلاعات پس از انقلاب پای میز استیضاح قرار نگرفته‌اند. تا پیش از این و در ادوار گذشته، نهایتاً وزیر اطلاعات مورد انتقاد مجلس قرار می‌گرفت یا در صورتی که تعارض بی‌الا می‌فت، در مواردی تهدید به استیضاح می‌شد اما چنین اقدامی هیچ‌وقت به نتیجه نرسیده است. بیشتر ارتباط مجلس با وزیر اطلاعات بر دعوت به کمیسیون و جلسات غیرعلنی برای پاسخ به‌سوالات نمایندگان متمرکز بوده است. این طرح همان روز ۲۴ تیر که خطیب همراه با معاونان خود به مجلس رفت، کلید خورده است. پایه آن نیز به وقایع امنیتی جنگ ۱۲ روزه مربوط می‌شود. به گفته یکی از نمایندگان امضاکنده استیضاح، وزیر و معاونانش پاسخ‌هایی قانع‌کننده به ابهامات نمایندگان ندادند. علی حسن اخلاقی، نماینده مشهد در این باره نوشت: «جلسه غیرعلنی با حضور وزیر محترم اطلاعات آغاز شد، وزیر ابتدا گزارشی را از روی کاغذ قرائت کرد که



گزارش دو

تقریباً نکته‌ای نداشت، سپس چند نماینده به قید قرعه نکات مهمی را مبنی بر چرایی عدم قبول مسئولیت کوتاه‌هی‌ها در جنگ دوازده روزه مطرح کردند و معاون و شخص وزیر پاسخ‌هایی را دادند، به نظر من و بسیاری از نمایندگان قانع‌کننده نبود. به‌همین اعتبار، فرم درخواست استیضاح وزیر اطلاعات را امضا نمودم. «با این وجود اخلاقی روز گذشته در گفت‌وگو با هم‌میهن اینطور گفت که امضاها به حدنصاب نرسیده و به‌نظر می‌رسد که استیضاح انجام نخواهد شد.

▼ نقد علی‌خواستار طرح استیضاح

روز ۲۴ تیر سایت خبری ایران ۲۴- نزدیک به یک نماینده سابق مجلس- به نقل از منبعی آگاه مدعی شده بود که محمدتقی نقدعلی، نماینده خمینی‌شهر در مجلس این طرح را ارائه کرده است. به‌رغم گذشت ۲۸ روز از برقراری آتش‌بس و توقف جنگ، توضیحی از سوی سیداسماعیل خطیب و همچنین دستگاه تحت مدیریت او، درباره مسائل امنیتی جنگ ۱۲ روزه، شبکه‌سازی سرویس اسرائیل و ضربه از درون کشور ارائه نشده است. خطیب در حدود یک ماه گذشته صرفاً چند اظهارنظر کلی داشت. برای مثال، او روز ۲۶ تیر در حاشیه مراسم گرامیداشت دو معاون شهید ستادکل نیروهای مسلح گفت: «رژیم صهیونیستی باید با یک راهبرد تهاجمی در درون خودش روبه‌رو شود. با همه فتنه‌ای که برای براندازی طراحی کردند ما در ۱۲ روز شاهد امنیت داخلی کشور بودیم.» او در مورد موضوع ریزیریزنده هانیز گفت: «ریزیزنده‌ها بی‌پایه‌دامر بوطیه شرایط نظامی است و بستگی به شرایط پدافندی دارد و نیروهای مسلح تلاش خود را برای مقابله با این شرایط خواهد کرد.» او همچنین در آخرین اظهارنظر خود نیز به خبرگزاری ایلنا درباره اقدامات انجام‌شده برای مقابله با نفوذ گفت: «امکاناتی را تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی دارند که این‌ها را در این جهت چه در داخل و چه در خود رژیم بسیج